



## مهمترین دستاورد ملاصدرا پیوند حکمت رسمی به حکمت دینی بود

غلامرضا اعوانی گفت: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ملاصدرا ایجاد وحدت میان حکمت رسمی و حکمت قرآنی است، کاری که حکمای پیشین آغاز کردند و او آن را به کمال رساند.

غلامرضا اعوانی گفت: یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ملاصدرا ایجاد وحدت میان حکمت رسمی و حکمت قرآنی است، کاری که حکمای پیشین آغاز کردند و او آن را به کمال رساند.

به گزارش خبرگزاری مهر، غلامرضا اعوانی رئیس اسبق مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در آیین بزرگداشت حکیم ملاصدرا شیرازی با عنوان «بازخوانی حکمت صدرایی در جهان امروز»، به ایراد سخن پرداخت و گفت: یکی از نکاتی که موجب عظمت ایران شده، حضور حکمت در فرهنگ ایرانی است. در بسیاری از کشورهای اسلامی چیزی به نام حکمت، آن گونه که در فرهنگ ایرانی وجود داشته، دیده نمی‌شود و در مقابل، گرایش‌های ضدعقلی مانند اشعری‌گری و جریان‌های مشابه رواج بیشتری یافته‌اند، اما در ایران، جریان حکمت از پیش از اسلام تا پس از اسلام، به صورت مستمر ادامه داشته است.

وی افزود: قرآن کریم مسلمانان را به جست‌وجوی حکمت در همه ادیان و فرهنگ‌ها تشویق کرده و اصل همه ادیان را حکمت دانسته است. همین مسئله موجب شد مسلمانان حکمت را در یونان، چین و دیگر سرزمین‌ها جست‌وجو کنند.

اعوانی تأکید کرد: حکمت و فلسفه در سنت اسلامی از یکدیگر جدا نیستند و فلسفه به معنای حقیقی خود همان حکمت است؛ برخلاف فلسفه جدید که از حکمت جدا شده است.

استاد بازنشسته دانشگاه شهید بهشتی اظهار کرد: در عالم اسلام چهار مکتب اصلی وجود دارد که همگی در جست‌وجوی حقیقت مشترک‌اند، اما در روش با یکدیگر تفاوت دارند؛ یعنی مشاء، اشراق، عرفان و حکمت متعالیه؛ کمال این مکاتب در حکمت ملاصدرا تجلی یافته است، زیرا او جامع میان این جریان‌هاست و همان گونه که وجود دارای مراتب تشکیکی است، معرفت نیز مراتب تشکیکی دارد؛ از حکمت بحثی آغاز می‌شود و به حکمت ذوقی، تعقلی و در نهایت حکمت قرآنی می‌رسد.

اعوانی با بیان اینکه ملاصدرا نقطه کمال حکمت در اسلام و ایران است، گفت: او مسائلی را برای نخستین بار در تاریخ فلسفه مطرح کرد که سابقه‌ای نداشت؛ از جمله اصالت وجود و نظریه حرکت جوهری. همچنین ملاصدرا به تاریخ فلسفه و منابع موجود زمان خود احاطه داشت و از همه آن‌ها بهره‌برده است.

رئیس اسبق مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران دوره صفویه را دوره احیای حکمت دانست و اظهار کرد: یکی از کارهای مهم این دوره، بازنویسی و حفظ نسخه‌های خطی و منابع فلسفی بود. بسیاری از منابعی که ممکن بود از میان بروند، در این دوره حفظ شدند و همین امر سبب شد ملاصدرا به منابع مهم و گسترده‌ای دسترسی داشته باشد.

وی ادامه داد: برخی نظریات ملاصدرا با یافته‌های جدید درباره فلسفه یونان و حکمای پیشاسقراطی هماهنگی دارد. برخلاف ارسطو که حکمای پیشاسقراطی را چندان جدی نمی‌گرفت، افلاطون آنان را حکیمانی بزرگ می‌دانست و ملاصدرا نیز به این سنت توجه داشت.

اعوانی با اشاره به مفهوم «حکمت متعالیه» گفت: ملاصدرا حکمت را از حکمت بحثی و برهانی آغاز می‌کند و آن را تا حکمت قرآنی تعالی می‌بخشد؛ سهروردی با تقسیم فلسفه به حکمت بحثی و حکمت ذوقی و با وارد کردن مفهوم تأله به فلسفه اسلامی، نقش مهمی در این مسیر ایفا کرد و ملاصدرا این جریان را به کمال رساند.

عضو پیوسته فرهنگستان علوم یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ملاصدرا را ایجاد وحدت میان حکمت رسمی و حکمت قرآنی دانست و گفت: ملاصدرا در آثار خود، از جمله در تفسیر قرآن و شرح اصول کافی، علاوه بر استناد به آیات و روایات، از آرای افلاطون، ارسطو، ابن سینا و دیگر حکما نیز بهره‌برده است. این مسئله نشان می‌دهد که میان حکمت برهانی، حکمت عرفانی و حکمت قرآنی اشتراک معنوی وجود دارد و این حوزه‌ها از یکدیگر جدا نیستند.

اعوانی خاطر نشان کرد: این مسیر از ابن سینا آغاز شد، در سهروردی قوت گرفت و با کمک ابن عربی تکامل یافت، اما اوج آن در حکمت ملاصدرا نمایان شد. ملاصدرا نشان داد که برای فهم حکمت دینی باید از حکمت رسمی بهره‌برد و در مقابل، فهم حکمت

رسمی نیز بدون توجه به حکمت دینی کامل نخواهد بود.

وی در پایان با اشاره به گستردگی نوآوری های ملاحظه اظهاری کرد: بسیاری از دستاوردهای فکری او نیازمند بررسی های مستقل و تخصصی است و امید می رود در این مراسم و برنامه های مشابه بیشتر مورد بحث و توجه قرار گیرد.